

استالین و ایران

انترناسیونال چهارم، 19 مه 1946

پرتگاهی که رژیم اتحاد جماهیر شوروی تحت لنین و تروتسکی را از حاکمیت بی مهار الیگارشسی ضدانقلابی استالینیستی جدا می‌سازد، به صورتی گرافیک در مورد ایران، که دست آویزی بدیهی را برای کمپین ضد شوروی جنگ‌طلبان در واشنگتن و وال استریت فراهم آورده است، نمایان می‌شود. سیاست‌های استالین در دست امپریالیست‌ها مورد استفاده قرار گرفته، چرا که این سیاست‌ها بازگشت به روش‌ها و شیوه‌های تزاریزم را نمایندگی می‌کنند.

تزاریزم حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را زیر پا گذاشت. نیروهای خود را به کار بست و برای امتیازات انحصاری و حقوق ویژه مزیت اتخاذ نمود. یکی از عرصه‌های اصلی فعالیت‌های تزاری، پرشیا (ایران) بود. با توافق با انگلیس در سال ۱۹۰۷ این کشور به دو حوزه‌ی نفوذ تقسیم گردید: شمال ایران، از جمله تهران، قلمرو تزار گردید؛ یک نوار باریک در امتداد مرکز نوعی حائل را تشکیل داده بود، و بقیه‌ی سرزمین نصیب بریتانیای کبیر گشت.

یکی از اولین اقدامات جمهوری جوان شوروی، نمایان نمودن گسست کامل خود از سیاست‌های تزاری بود. این با انتشار معاهدات پنهانی منعقد شده توسط روسیه‌ی تزاری و متحدان امپریالیستی‌اش، و با رها کردن داوطلبانه

غنیمت های جنگی و امتیازات تزاریستی انجام پذیرفت. مورد پرشیا (ایران) توسط بلشویک ها اختصاصاً مطرح گردید چرا که بعضی از شنیع ترین چپاولات امپریالیزم روسی در آنجا انجام گردید.

سیاست بلشویکی در ایران

در شانزدهم ژانویه ۱۹۱۸، روزنامه‌ی دولتی ایزوستیا Izvestia متن یک یادداشت رسمی را ارائه نمود، و ابطال تمامی ادعاهای روس در ایران را که ناقض حقوق خودمختاری ایران بودند، را اعلام نمود. از آن پس، اعلام گردید، روابط بین دو کشور "براساس توافق آزاد و احترام متقابل بین ملت ها" بنا خواهد گشت.

یک سال بعد، در بحبوحه‌ی جنگ داخلی، اتحاد جماهیر شوروی مجدداً موضع خود را تأیید نمود: "روسیه یک بار دیگر و برای همیشه سیاست های غارتگرانه‌ی اتخاذ شده توسط دولت های قبلی روسیه امپریالیستی در قبال ایران را رد می نماید".

در پایان جنگ داخلی، پس از شکست مداخله‌ی امپریالیستی و ضدانقلاب داخلی، میسر گردید که این موضع را در یک معاهده، که در ۱۹۲۱ فوریه ۲۶ تصویب گردید، برسمیت شناسد. اعتبار عالی اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه و در میان کشورهای مستعمره در نتیجه‌ی این معاهده روسی- پرشیندر ابعاد گسترده‌ای به نتیجه رسید. این امر در میان امپریالیست ها ایجاد پریشانی نمود. با رجوع به آن، سال ها بعد، یک تاریخ شناس آمریکایی، پروفیسور دنیس Dennis، نوشت:

این سند قابل توجه ای است؛ نیمی از آن تبلیغات شورویست و نیمه‌ی دیگر آن منشور برجسته‌ی آزادی های ایرانی است.

بندهایی که پروفیسور به آن به مثابه "تبلیغات اتحاد جماهیر شوروی" رجوع نمود، در حقیقت، بیانیه‌ی صریح سیاست خارجی انقلابی دولت کارگری بود. جان کلام آن در دو بند اول محاط شده است. پس از تأیید اظهارنامه‌های قبلی خود (۱۶ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹) دولت شوروی بندهای زیر را ضمیمه نمود:

دولت جمهوری فدرال سوسیالیست روسیه، جنایتکارانه تلقی می‌نماید سیاست دولت تزاری روسیه را که بدون موافقت مردمان آسیا و تحت لفافه ایجاد نمودن اطمینان خاطر برای استقلال این خلق‌ها، عهدنامه‌ای را با دیگر دولت‌های اروپایی در رابطه با شرق انعقاد کرده است که هدف‌نهایی‌اشان تصرف تدریجی‌اش بوده است... دولت RSFSR [اسم رسمی اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان] بدون قید و شرط این سیاست جنایتکارانه را نه تنها برای نقض استقلال کشورهای آسیا، بلکه بخاطر منجر شدن شبه‌خشونت سبعانه سازمان‌یافته‌ی سارقان اروپایی بر جسم زنده‌ی مردمان مشرق را، مردود می‌شناسد.

طبق شروط عهدنامه، از آنجایی که همه‌ی "حقوق" تزاری از بین رفته بود پرشیا (ایران) در تصرف تمامی تأسیسات موجود در بندارش، از جمله کشتی‌هایش درآمد. دولت اتحاد جماهیر شوروی نه تنها کلیه‌ی راه‌ها و راه‌آهن را بلکه خطوط تلگراف و تلفن را که توسط تزار احداث و محافظت می‌شد را به ایران منتقل نمود. آنچه باعث بزرگ‌ترین سایش دندان در میان سرمایه‌داران انحصاری در سراسر جهان گردید، انتقال بیدرنگ بانک پرشیا متعلق به روسیه به مقامات بومی و باطل نمودن همه‌ی وام‌های تزاری بود.

به نوبه‌ی خود، دولت ایران متعهد گردید که "اموال و تأسیساتی را که تحت این معاهده [به دولت ایران] واگذار خواهد شد را در اختیار هیچ قدرت سوم و یا شهروندان آن برای تملک یا استفاده قرار ندهد و همه‌ی حقوق مربوطه را در جهت منافع مردم ایران محفوظ نگاهدارد".

این عهدنامه نه تنها توسط لنین و تروتسکی، بلکه همچنین توسط استالین که در آن زمان پست کمیسر ملت‌ها را به عهده داشت، تأیید گردید. این عهدنامه متعاقباً به مثابه الگویی برای توافق با سایر کشورها (ترکیه، چین و غیره) بکار بسته شد.

لنین و تروتسکی در مقابل استالین

بدینگونه همان سیاستی که "بدون قید و شرط مردود گشته بود" و در روزهای لنین به مثابه جنایتی تلقی می‌شد، هم اکنون تحت رژیم استالین مبدل به عرف گشته است.

اگر تند و تیزترین دشمن اتحاد جماهیر شوروی برای دور نمودن مردمان خاورمیانه و مستعمرات از آن در صدد ابداع راهی مؤثر برآید، او نمی‌توانست مسیری مؤثرتر از آنچه که در مورد ایران، توسط کرملین، تحت استالین، دنبال می‌شود، را ابداع نماید.

<https://www.marxists.org/history/etol/newspape/fi/vol07/no05/iran.htm>

منبع: از انترناسیونال چهارم، مه ۱۹۴۶، جلد ۷، شماره ۵، صفحه ۱۳۳-۱۳۲

مترجم: ژاله سهند

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل نشر کارگری سوسیالیستی: nashrKargarSocialisti@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری